

«مردم» و شما

دوستان متعددی ایراد می‌گیرند که «مردم» بموقع و صحیح روزهای اعلام شده بدست آن‌ها نرسیده، نزد روزنامه‌فروش‌ها نیست و حتی گاه در مغازه فروش کتاب و تریات زیر دفتر «مردم»، در خیابان ۱۶ آذر، نیز یافت نمی‌شود. این دوستان دحسایت روزی و شروت توزیع مردم را یادآوری می‌کنند.

هنوز پیش از چند شماره‌ای از مردم انتشار نیافته که مردمی که آن ناموفق به‌خود می‌دانند، به‌آدرس ما نامه‌های متعددی می‌فرستند نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادی، خود را می‌نویسند، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و سه مطالبی و انتقادی ارسال می‌دارند. مردمه مال سلامت و بدبختی است که پس از این نخستین شماره‌های دوره جدید، ستوه‌های لوین متعلق به خودانتظام را باز کند، از این پس در سون خودانتظام مردم می‌نویسند، ما نوشته‌ها و نظریات شما را منگنی می‌کنیم و در سون «مردم» و «پایگاه» به‌صورت خاصه پاسخ می‌دهیم. درخواست ما اینست که مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسند. نوشته‌ها بروی یک طرف کاغذ باشند. اگر میل دارید نام شما در روزنامه قید شود حتما در نامه متعلق به خودانتظام را باز کنید، از این پس در مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در سون‌های جداگانه منگنی خواهد شد. به‌صورت تحریریه اجازه دهید که حق کتله‌گریم مطالب وارده و یا انتساب اشعار واسمه و غیره داشته باشد. علاوه بر ارسال نامه به‌وسیله پست اگر میل دارید، می‌توانید مستقیماً نامه‌های خود را به‌پست روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه گذار در ورودی بیاورید.

با تکرار از این دوستان، دربارمستکلات توزیع، در شماره قبل نیز مطلبی داشتیم. امیدواریم برآن‌ها فائق آئیم. از روزنامه فروش‌های محله و خیابان شهر و مراکز فرعی خود را مطلع روزنامه در اختیار خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه گذار در ورودی بیاورید.

از گروه «دیگوند» با عیارت، «دکمی ناچیز» به‌عنوان توده ایران، حزب وارثان، روزنامه، سیاه‌ها، مشرقی‌ها، تریاتی‌ها و حکمت‌چوها، از دوست گرامی، شیدا، هراه با نامهای خطاب به واپران روزبه فرمان، و با این جمله که «ایران دارم حزب خود ایران حزب طیف کارگران ایران است، لذا کمک از هر جای به‌عنوان مردم» همچنین با دانش‌آوردی ایران از آمل عیدی نوروز اسال خود را به‌عنوان توده ایران کمک می‌کنند، و چوخی در پاسخ به‌تقاضای کمک مالی دریافت کرده‌اند. از همه این دوستان و کلیه کسانی که پول و حواله و چک فرستاد، بوالی‌دستان نوشته‌اند، سپاس‌های متشکریم و به‌گرمی در دستن را می‌ناریم.

رویدادهای ایران

ماموران ساواک را عرض نکند

در روزهای گذشته، از چند نفر ایران، گزارش‌هایی مربوط به آزادشدن تعدادی از ماموران متکبر شده ساواک به‌ما رسیده. که نوشته‌هایی از آن نیز در جراید چاپ شده است. البته این عدم‌اقرار التزم، آزاد شده‌اند و ظاهراً قرار بر آنست که به جرمشان به‌ما رسیدگی شود. در این زمینه، حتی آزاد کردن متهمین به‌اصطلاح ردیف ۲ و ۳ و... با «قرارالتزام» و خلوت کردن زندانها با این افاضی که دهه را نمی‌تود با یک جوب راند» و... طی همین روزها، گفت‌وگویی از قول مقامات مسئول و چشم‌پوشول در روزنامه‌ها چاپ شده است. ما هنوز به‌دستی نمی‌دانیم که این افاضی و غیره مسئول ولست برده‌ها از حق و بخشش بجای انتقام، به‌دنبال جابجایی محاصی است که در دستورهای سرمایه‌داری غرب به‌راه انداخته‌اند و نا‌اشی از طرح کلی محدود کردن متکبری‌ها و ادامه کار دادگاه‌ها! اما این را به‌خوشی می‌دانیم که کوچک‌ترین ترجم بر پستگ نیز چنگال روا نیست و این را مردم نیز به‌خوشی می‌دانند و نتاهاات و اعتراض‌هایی که در زمینه کتک‌کاری برخی دادگاه‌های انقلابی در بعضی شهرها صورت می‌گیرد، دلیل‌الست. به‌عنوان نمونه از خواست‌های مردم در این زمینه، در «دقیق‌نامه» (گرم‌نامه سابق) می‌توان یاد کرد.

مردم اصفهان خانواده میراثی را فراموش نکرده‌اند

دلسری انقلاب اسلامی اصفهان اعلام کرده است، گمانی که از کیوان والی‌صن میراثی، روسای سابق کارخانجات نج و یشمالی اصفهان و حبیب اشرافی، رئیس سابق شیروخورشید سرخ این شهر شکایتی دارند، به دلسری انقلاب اسلامی اصفهان مراجعه کنید.

کسانی که سالها تازه‌نام نظم و جور و استعمار را در اصفهان بر پشته‌های خود احسان کرده‌اند، به‌خوشی با نامه‌هایی که از سوی دلسری انقلاب اسلامی اصفهان اعلام شده آشنا هستند و می‌دانند که سرمایه‌داران وابسته و غارتگر در اصفهان، و از جمله میر اشرافی‌ها، در جهت سرکوب هر اعتراض و خواست کارگری و واپران عیارت هر چه بیشتر نیروی کار هزاران کارگر اصفهانی، دستن و آ. حتی در خون زخم‌چکان فرو بردند و در این جنایات از حمایت بی‌دریغ دربار و رژیم سرکوب‌شده به‌یاری برخوردار بوده‌اند. هنوز محاکمه نظریاتی این خانواده را به‌عزم آدمی در اصفهان و فرار از عدالتن این مردم این شهر فراموش نکرده‌اند.

خلق ایران شور انقلابی خود را حفظ می‌کند

در هفته‌های گذشته، آقای کاظم رجوبی، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ژنوه، در کنفرانس پشتیبانی از سازمان آزادی‌بخش فلسطین، که زیر نظر شورای جهانی خلق، در هریاد، بدر سوئیس، برگزار شد، شرکت کرده وطن سخنانی گفت: «قبل از هر چیزی به‌نام نفس جمهوری اسلامی ایران و به‌نام ملت مبارز ایران، از طریق نمایندگان مردم فلسطین، که نماینده حضور دارند، به سازمان آزادی‌بخش فلسطین، به‌عنوان تنها نماینده مشروع خلق فلسطین اعلام کرده و درود می‌فرستیم. تشکیل این کنفرانس نشان دهنده این واقعیت است که مبارزات قهرمانانه مردم فلسطین با روح خود رسیده، و به‌پیریزی‌های نریک شده است.»

در باره همین خود باید بگویم با همه نوشته‌های خودخواهی که علیه انقلاب ایران می‌شود و با همه تبلیغات وسیع بین‌المللی که به‌منظور نفی آن انجام می‌گیرد و با همه سیاهی‌هایی که در جهت سونیم افکار مردم جهان در باره آن می‌شود، مردم ایران شور انقلابی خود را، که لازمه مقابله با هر نوع فساد نظامی است، حفظ نموده‌اند و تحت رهبری آیت‌الله العظمی امام خمینی با حکومت آقای خمینی بازرگان، مردم ایران بدون وقفه و قاطعانه به‌طرف آزادی و عدالت اجتماعی عام برمی‌دارند و از مبارزات و خواست‌های درست و مشروع مردم فلسطین تعالیه حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

من پیام مردم ایران و جمهوری اسلامی را به‌شرح زیر اعلام می‌دارم:

حق را بپذیرید مردم فلسطین به‌خوشمختاری، بسون دخالت خارجی برای استقرار یک دولت مستقل و حاکم در فلسطین.

۲. ما مجدداً اعلام می‌کنیم که این حق دالمی و فنا ناپذیر ملت فلسطین است که بتوانند به‌کابین خوداگر خود برکنند احوال و سرزمین‌های از دست داده خود را باز یابند و برای بازاری این حقوق و خود مختاری آن‌ها از آن‌ها حمایت و پشتیبانی می‌کنیم.

نام شهدا و مبارزان را فراموش نکند

تغییر نام خیابان‌ها و میدان‌های شهرها، که مدتی است به‌طور رسمی شروع شده، از جمله خواست‌های مردم انقلابی ایران است. مردم حتی در زمانی که هنوز انقلاب پیروز نشده بود، با استفاده از وسائل مختلف خیابان‌ها و میدان‌های شهرها را به‌نام سرداران آزادی و استقلال و مبارزان وطن و تاریخ و وقایع انقلابی نامگذاری می‌کردند. این خواست مردم تا حدی بود که به جنگ قلم و وسط رنگ، بین خلق و ضد خلق، در زمان شاه مخلوع تبدیل شده بود. مردم با استفاده از کوچک‌ترین فرصت، نام‌های جدید را روی خیابان‌ها می‌گذاشتند و می‌نوشتند و ضد خلق با استفاده از نارنجک شب و دریاها و سازمان‌های حکومت نظامی، این ناچار را پاک می‌کرد و یا روی آن‌ها را رنگ می‌زد. به‌عین دلیل تغییر نام خیابان‌ها، یکی از خواست‌های بحق مردم است، که مسئولان در راه تحقق به‌عین به‌آن عمل می‌کنند. اما نکته‌ای که می‌باید یادآور شد آنست که این نامگذاری نباید همواره با انحصار طبلی باشد. کمسیون‌هایی که به‌این منظور تشکیل شده است، باید هم‌زمان به‌نام سرداران و مبارزان راه استقلال آزادی ایران را گرامی بدارد و در تمام نقاطی که برای تغییر نام خیابانی تلاش می‌شود، این روزها را به‌خاطر داشته باشد که در تاریخ‌ترین لحظات وطن، بودند کسانی که در زیر صیارت و شکنجه‌های دشمنان رژیم سابق، به خلق و میهنشان پشت نکردند و سرفراز و سربلند ترگرا استقلال کردند. یاد آن‌ها برای همیشه در دل همه آزادی‌خواهان ایران است و تاریخ نامشان را هرگز فراموش نمی‌کند استفاده از نام آن‌ها و با حواست انقلابی‌سال‌های دور و نزدیک، در رابطه با جایزهای این مبارزان، کوچک‌ترین سیاسی است که تثار آن‌ها می‌کند.

اعتراض به سالی‌های ایران

بسیابیت حمایت سالی سنای آمریکا از شاه مخلوع و اعتراض به‌حکم اعدام وی از طرف سنای آمریکا، ساعت ۴ ظهر ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸، به‌صورت دانشجویان دانشکده سنی اصفهان، اقتدار مختلف از مردم، در مقابل کنسولگری آمریکا در اصفهان گرد آمدند. یکساز دانشجویان در باره مظالم امپریالیسم آمریکا و تأیید حکم اعدام شاه مخلوع و داروخته او صحبت کرد. ساعت هره این مظالم را تبدیل به به‌ادبانی‌شد. مردم از پل قزقی، محل کنسولگری، به‌طرف چهارباغ حرکت کردند. حدود سه هزار زن و مرد بودند که به‌تدریج در بین راه، به‌مدافعان افزوده شد. مردم یورش‌هایی با خود حمل می‌کردند که یکی این بود: «ممثل جمعه آزادی آمریکا، مرغ آزادی را کتاب می‌کنند.» راند پیام‌هایی هم از امام خمینی حمل می‌کردند.

شاهما عبارت بود از: «حمایت سالی آمریکا از امپریالیسم و صهیونیسم، توطئه بر علیه خلق مسلمان ایران است»، «هرگز بر نترسد»، «اعتراض آمریکا علیه حکم اعدام شاه خانی توطئه بر ضد خلق مسلمان ایران است.»

مواد فتنه‌آمیز عبارت بود از:

۱. اخراج مستشاران آمریکایی و لنو قراردادهای اسارت‌بار، مخصوصاً قرارداد دوجانبه ۲۰ تأیید داده‌های انقلابی و صدور احکام انقلابی
۲. پشتیبانی از دولت ملی آقای بازرگان
۳. خواهان حویاری هر چه بیشتر ایران مبارزه با امپریالیسم از دولت هستیم.

مراسم سالگرد شهادت روزبه در بوشر

به‌مناسبت بیست و یکمین سالگرد شهید بزرگ، خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمنه مرکزی حزب توده ایران، در بوشر مراسمی برگزار گردید که در آن بیش از ۴۰۰ نفر از قری‌خواهان، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، شرکت داشتند، که این خود نشان اهمیت زیادی است.

این گرد هم‌آیی در ساعت ۴ دقیقه عصر ۲۹ اردیبهشت با قرائت زندگینامه خسرو روزبه، توسط یکی از دانش‌آموزان آغاز گردید. سپس یک قطعه شعر بسیدن تألیف خوانده شد. بعد سرود حزب توسط حصار طوبی خوانده شد. سپس دکتر زرنگی سخنرانی کرد. جناب آرزو ایزدیان نیز از این جریان استقبال کردند.

در آخر برنامه، به‌صورتان طعنه از سوی شرکت‌کنندگان به‌وسیله دکتر زرنگی پاسخ داده شد. که مسائله این نسبت برنامه، به‌عطف حرکت که عدم اخلاص کرد، بقصد برهم رخن مراسم، به‌طرف محل برگزاری مراسم، نیت‌نکاره متوقف گردید.

پس‌تر این اقدام نیکو نیت عمده‌ای شای افکن، در جریان برگزارشدت، آنچه جلب نظر می‌کرد، هفتکری و هتکباری افراد، با گمراهی‌های مختلف، وفادار به‌انتقال و مومن به‌اصول مبارزه ضد امپریالیسم بود.

مداخله نظامی آمریکا...

با اینکه انقلاب مردم ما در رادوازگونی رژیم طاغوتی و طبق نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم سرکوبگر امپریالیسم آمریکا، انجام گرفته و با وجود این‌که اقدامات و اظهارات تهدیدآمیز و مداخله گراهم امپریالیسم آمریکا انقلاب و آزادی‌مستقلال علیه دستاوردهای انقلاب و آزادی‌مستقلال و امنیت بینامتنی است، از جانب دولت موقت در مقابل این اظهارات، به‌تعمت و واکنش لازم و بوقوع انجام نمی‌گیرد، بلکه با اظهارات توپیلو و میهم و نادرست در مورد مداخلات شرق و غرب، به‌سنت عدم مبارزه، یعنی مبارزه ضد امپریالیسم و به‌طور مشخص مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تمام گرامی ایجاد می‌گردد که عملاً از اهمیت وجودی بودن خطری که مستقیماً از جانب امپریالیسم آمریکا انقلاب ما را تهدید می‌کند، با عدم اعتداف موضع قاطع و سریع در مورد لنو همه قراردادهای نظامی و سیاسی، قراردادهای نظامی دوجانبه با آمریکا، از نمودارهای روشی یک چنین روشی است درحالی‌که هرگونه اغماض و سستی در برابر اقدامات توطئه‌گراهم و اظهارات تحریک‌آمیز محافل امپریالیستی، و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا، که دشمن اصلی انقلاب می‌گردد و دستاوردهای استقلال‌پیرا در معرض خطری جدی قرار میدهد.

تأمین استقلال کامل سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره، مسائل فرعی‌پشمار می‌آیند.

سنای آمریکا...

با اینکه روز - یک روز زود بود در آنی بر ریپورت دیوریت از اینچهره کارگر، به‌همراه نگامیکی و به‌همراه با لطافت کلمه، آوازهای سرخ طلوع را عذب می‌دهی

این‌شب که دراز است، به‌صیمی‌گرخورده جزی‌خیلی راهگامی سحرش‌چست؟ این چیز سحرخی که به‌فک‌کارگری‌است؟ جزوین فرورخته بریرعتر چیست؟

* خواننده «مردم»، فروتن‌پزند، درنامه خود، مطلب از مقاله مربوط به‌وضع با‌همان ترافیک تهران اشاره کرده و با توبسه مربوط با‌جهاد مترو مخالفت کرده است. وی از جمله لابلای نظیر سنگین بودن هزینه، طولانی بودن مدت، تئویق مردم به شهرنشینی، لزوم بردن امکانات به‌شهرها، ایجاد یک خط سراسری قطاری‌های مترو، در این زمینه اشاره داشته است.

دوست ما سابق نوشته است که نظریات خود را به‌خطاط اعلام‌های که در روزنامه مردم، درآمده، ارائه می‌دهد تا در کوشیده وقت بپشتن شود و بیانه نهد. مرتجین و بدبینان و منتظران (!) نیست.

ما هم از این توجیه و عیلاقه ایشان‌سپاسمانه تشکر می‌کنیم.

* در یادداشتی که به‌صندوق نامه‌های مردم، آمده‌اند، دوستی اولاً می‌خواند در باره حزب قضاوت کرده و نا‌تایا خواستار باز کردن کلاس برای «آموزش تئوری» شده است. در مورد سیستم آموزشی، متغول تدوین طرح‌هایی هستیم، که چه برای اعضای حزب و چه برای عموم قابل‌استفاده باشد. امیدواریم در این امر هم با این کلاس‌ها یا گروه‌های نظیر شرکت‌کنند و سپس در تجربه و عمل قضاوت کنوی خود را تغییر دهید.

در تدارک و انتفاع نماینگاه شهسار در دانشگاه منتفی است. اکنون‌که به‌صعلت استقلال شدید از این نماینگاه، مدت آن تعدیل شده، نفس جدی که شما بچنان را خاطر نشان ساخته‌اید، اصلاح می‌شود. البته بسیاری ذهناتی که تا آخرین مرتبه و به‌عرب و ایران‌های خود وفادار ماندند و متأسفانه به‌عقل مختلف نام یا عکس‌نامه‌ای از شیئی از آن‌ها در نماینگاه نیست، این اولین کوشش در راه تنظیم‌چنین نماینگاهی است و دوستان جوانی که با شور بسیار آرا تپه کرده‌اند، در راه جمع‌آوری وبه‌نمایش گذاشتن همین عکس‌ها و نام‌ها و اشاره ما به کوشش‌های شایه روزی فراوان کردند تا به‌افتخار سالگرد شهادت خسرو روزبه، نماینگاه آماده گردد و بازرسیدگان در پی‌نبرد، این‌مطالب البته برای توجیه تقاضی و منجمله ایراد بجای شما نیست، بلکه برای بیان علت آنست. مستطاباً موفقیت شما آرزومندیم و منتظر نامه‌ای دیگر هستیم.

دوست ارجمند م. م. زندگینامی قدیمی سیاسی، نامه شما رسیده، مطلبی که توجیه ما را به‌آن جلب می‌کنید، درست است. و جزئی است از ذهنیاتی انقلابی، که به‌ویژه باید در این زمان و هنگامی که حزب‌نمایان علی‌تو خود را از سر می‌گیرند، به‌آن‌خاطر توجیه را می‌بندول داشت. ما خود به‌این‌مطلب واقفیم و امیدواریم که با دقت نظر، جلوی خطری که شما به‌آن اشاره کرده‌اید و لنود عناصر سرکوب‌شده گرفته شود.

امیدوارم شاهد نامه‌های دیگر شما باشیم.

* خواننده گرامی، که با عیارت «یک‌توقیف» نامه خود را امضا کرده‌اید، چهار شماره رسیده است. از شعرنوی شده که در سال ۲۹ برای رفیق زندانی سروده‌اید یک بند و از شعر پارسانا شده، در استقبال از میزای چندینی دویت آخر را نقل می‌کنیم:



اخبار کارگری

کارگران کارخانه مارگارین خواست‌های خود را به دست آوردند

کارگران کارخانه، مارگارین (واقع در جاده ورامین) از روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشتماه، با اعلام خواست‌های خود، از خروج محصولات تولیدی کارخانه (روغن باقی) جلوگیری و تهدید کردند که اگر سرپا پنه خواست‌های رسیدگی نشود، دست باعصاب خواهند زد. این حرکت زیر نظر شورای کارگران کارخانه، که تازه تأسیس شده بود، صورت می‌گرفت.

خواست‌های کارگران بطور صده از دو بخش تشکیل می‌شد: ۱- اضافه‌سزده به میزان ۵۵ درصد و نظارت در امر تولید و خرید و فروش.

۲- کم شدن دستمزد ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان در ماه بود. سرانجام، روز شنبه ۲۷ اردیبهشت، در جلسه‌ای که با حضور نماینده کارگران، نماینده وزارت کار، نماینده کمیته قم و هیئت مدیره کارخانه تشکیل شد، با مذاکرات مفصل، با خواست‌های بحق کارگران موافقت گردید. در صورت جلسه مذاکرات خطوط اصلی توافق چنین آمده است: ۱- شورای کارگران در تولید و فروش محصولات و خرید مواد اولیه نظارت خواهد داشت. ۲- حل اختلافات کارگران و کارفرما باید زیر نظارت شورای کارگران انجام شود. ۳- موافقت شد که ماهانه مبلغ ۴۵۰ هزار تومان برای اضافه‌سزده در بوجه شرکت منظور شود که زیر نظر شورا میان کارگسران تقسیم گردد. ۴- پرداخت اضافه حقوق از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ منظور شود.

اعتصاب کارگران شرکت سایاگو و تشکیل شورای کارکنان

کارگران شرکت سایاگو (وابسته به شرکت ایران ژئوتور) که کار نصب و سرویس آسانسور را انجام میدهند از تاریخ شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه دست از کار کشیدند. کارگران خواهان بازگشت عداوی از کارگران کارخانه در جریان اوج گیری نبرد اعتصابی کارگران علیه رژیم گشتند. اخراج شده بودند و نیز پرداخت حقوق عقب افتاده خود بودند. پدیده‌ای از پیروزی انقلاب، در استفسار گشته، بواسطه وزارت کار فرارزدی بین کارگران و کارفرما مشاهده شد که بنابر عداوی از کارگران باهتصاب کارفرما بصر کار بازگشتند و بقیه بصورت منظر به کار باقی ماندند و کارفرما موظف شد تا آخر فروردین ماهانه ۱۴۵۰ تومان به کارگران مجرد و ۱۵۰۰ تومان به کارگسران شامل بپردارد

و پس از پایان این مدتی، با آنان را به کارگزار و با ملت قرارداد را تمدید کند. اما کارفرما در مورد مقر به عهد خود وفا نکرد و کارگران پیکار بارها و بارها به یوزارت کار مراجعه کردند. بی‌نتیجه این عیاشیان بود. وزارت کار با استناد به قوانین کار دوران رژیم سابق حق را به جانب کارفرما می‌دادند. سرانجام کارگران تنها راه چاره را در مقاومت در برابر کارفرما دیدند و از روز ۲۳ اردیبهشت کارگران شامل بصحابت از کارگران افراطی دست از کار کشیدند و در محل اداره شرکت اجتماع کردند. اما مدیرعامل شرکت در این مورد از خود سل اختیار کرد و اظهار داشت که صاحبان شرکت باید در مورد خواست‌های کارگران تصمیم بگیرند. کارگران نیز در مقابل، از مدیر عامل فایده صلاحیت خواستند که شرکت را ترک کند سپس کارگران تصمیم گرفتند که شوری جهت پیشبرد کار و نظارت بر امور کارخانه ایجاد کنند تا به خواست‌های آنان رسیدگی کنند. در نتیجه انتخابات شورای کارکنان، کارکنان پنج نفر بعنوان اعضای اصلی و دوفقر بعنوان اعضای اولیاد انتخاب شدند و اسامه شورا نیز تصویب رسید.

کارگران شرکت ساختمانی پارادیس حق خود را می‌خواهند

کارگران شرکت ساختمانی پارادیس، در کارگاه کرج، بیش از ۶ ماه است، حقوق دریافت نداشتند و در وضع بسیار اشتباهی بسر می‌برند. صاحبان اصلی شرکت (برادران منجسی نایب) در جریان انقلاب، ایران را ترک نمودند و به خارج رفته‌اند. نمایندگان آنها در مسئولین شرکت نیز کارگران را ارباب و تهدید می‌کنند. از اینجهت در حدود صد نفر از کارگران، از ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت، در محسن بودند تا بدنبوسیله صدای خود را بگوش مسئولین امور برسانند.

اخبار دهقانی

* دهات را باید از عقبماندگی نجات داد

اهالی ده دولاب، در نزدیکی زنجان، در عقبماندگی بسیار شدید اقتصادی و معنوی نگاه داشته شده‌اند. آنها نه آب دارند نه برق، بمعاصم و نه بهداشت. حداقل ۹۵ درصد اهالی سواد ندارند. دبستان پنج کلاسه‌ای که سه کلاسش بیش ندارد، اوقات بدون معلم است. چشمان منظر کودکان در بستر مدرسه دموه شده تا شاید مسلمی بیاید. کودکان در اغلب بهار و پاییز را سرگام می‌روند و نمی‌توانند بدرس‌هاشان برینند. محافل ارتجاعی سالیانه منمادهای علیه نیروهای مترقی تبلیغ کرده‌و انواع اتهامات را وارد ساخته‌اند. با ایجاد انقلاب بزرگ ایران، گروه گروه پنهان می‌روند و در تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه شاه مخلوع و داروغه او شرکت می‌کردند. این در حالی است که چندین ماهه است، کلب جوان از حزب توده ایران چیزی نمانده تصفیه شده‌اند و اتهاماتی را که داروغه شاه مخلوع و اربابان محلی نظیر ذوالفقاری‌ها می‌گفتند، بسند می‌دهند. اما ای محبت سلفوردگان که می‌شنیدید، از حزب ما به خوبی یاد می‌کنند و می‌گویند: نیروهای ما آمدند و همه و می‌گفتند ما می‌خواهیم همه برادر و برابری باشیم و اخوان لازم نداریم. برادر سلطه رژیم شاه مخلوع در وضع ده هیچ تغییری حاصل

پرسش‌ها و پاسخ‌ها...

و نسبت به هر کسی و در باره هر مسئله‌ای که باشد، متفق نیست. ما از سیاست انقلابی حمایت می‌کنیم؛ چون آنرا بدون انقلاب و همین خود می‌دانیم و از هر انحراف و گرایش سازشکارانه اعتقاد می‌کنیم. زیرا آنرا زیانمند برای انقلاب و سوسیالیسم می‌دانیم. و بنیادی رژیم شاه و ساواک می‌دانیم. ۲- بورژوازی ابتدا خام نیست. مسلم فریب او هم از جاب چاب در کار نیست، بلکه بورژوازی بسیار هم کارکنته است. و متأسفانه اوست که برخی از نیروهای سقیق انقلاب را فریب می‌دهد و به دام می‌برد و نظایر افکنی خود می‌اندازد. در حال حاضر، به نظر ما، ایران در آستانه انقلاب سوسیالیستی قرار انداخته و مسئله اساسی عیارت از برد بین طبقه کارگر و بورژوازی نیست؛ بلکه بقیه بین تمام طبقه‌ها و یعنی کارگران دهقانان و روشنگران و هیئتوران و خود بورژوازی و بورژوازی کوچک و متوسط و امیرالوزاری و عیال آن یعنی سرمایه‌داران وابسته و سازمان‌دهندگان داروغه شاه مخلوع و ساواک و رژیم خورده است. مرز اصلی را باید در اینجا کشید تا جبهه گیری لوت نشود و دشمن عمده خود را پنهان نکند و انقلاب خود را از نیروهای بواقع انقلابی در آن مرحله محروم ننماید. هر انقلابی در سده بیست و هفتم این مسئله و تشخیص دشمن باید عمده باشد. مسئله اولی برده پیمانده و تسلیم عیارت ظاهر فریب چپ‌ها نیست. خواننده عزیز! مسلم راه گذار سرمایه‌داری که در قطع انقلاب سوسیالیستی مطرح می‌شود، و انواع گذارهای می‌تواند موضوع بحث دیگری باشد، نه در این مورد می‌تواند موضوع هر سؤال باشد.

۳- در پاسخ سؤال سوم باید گفت که اطلاع شما با واقعیت تطبیق نمی‌کند. مطلبی که در درباره آن گفته‌ام فایده حزب سوسیالیست درست نیست. در مورد سایر نیروها اطلاعی نداریم. ۴- به تمام جریاناتی که در درهستان گنبد و خوزستان روی داده و نتیجه‌شان حادثه مورد نظر شما، بدترم فریبی خودی و گرم خوردن سال‌ها مختلف محلی و ملی و زبانی و مذهبی، در آخرین تحلیلیست می‌بایست از دید انقلاب سوسیالیستی نگاه کرد و دانست که بقول شاه، این اختلاف بطنع چیست؟ از آنجا که

۱. «شهادت و تولد» از حسن (کیله‌برد) با عنوان «برای شهادت رفیق خسرو روزبه» ۲. خلاصه‌ای از شعر بلند ب. محمودزاده، حزیش». ۳. چنان عظیم بودند که بخورشیدهاو سایه افکنند. زمین - اگر چه شیخوران انکارشان کردند در گامشان صدای رهانی می‌ترکند و بلوغ خمشی آگاه - در رگ‌هاشان - و چون همیشه ناگاه - ناگهان تاریخ زندگان در باشار شقایق به خون نشست. آغاز فصل شکفتن. به آسمان بگو: اگر نبارد از خشکسالیان چه نم: سایه‌هایی از بیخون سدل بلند شب را تا ارتفاع سحر - در شرف درون و پتنام در قلب غرب، گویا و در قاره سیاه شارش نمودم! ما با قلب رحمت خود دستان گرم فلسطین را در دست خویش فترده فریاد می‌کنیم «بیروزاده» «بیوند کارگران» «بی‌خوابی» «دنیای سوسیالیسم»

بشد، حتی بهتر هم شده، بجهه از سه سالگی، با سالخوردن‌ترین فرد، سخت‌ترین کارها را می‌کنند. دختران فریادش همه لایق و رنجور هستند.

* دهات الموت نیازمند توجه فوری هستند.

۱۲۵ هزار نفر شایده بیشتر، در ۶۵ آبادی الموت و همچنین در رودبار با مشکلات مختلفی دست‌وپا گیرانند. راه، تعسین خواست آن‌هاست، زیرا جامعه‌های عالی، که با کمترین برادران پر از گل و غیر قابل استفاده می‌شود، بیش از آنکه توجه ارتباط باشد، تنها روزانه امید دهقانان را قطع می‌کند. بهداشت، دومین خواست آن‌هاست، که در رابطه با جامعه‌های خراب، حدت زیادی پیدا کرده. دورکت هندی، بنگلادشی و بانک طیب قدیمی، چگونه با وضع ارتباطی موجود می‌خواهند جوانگری اینهمه ده باشند که آب خرتنه صدهای آن راه به ماه عوض می‌خورد. سومین خواست دهقانان مربوط به وام کشاورزی است و دولت طاعت، ۲۰۰۰ تومان تا ۲۰۰۰ تومان می‌داد، ولی اصلا برای تولید موثر نبود و اثری نداشت. دهقانان منتظر وام کافی و درازمدت هستند که به کشاورزی سرورونی بدهند. چهارمین خواست دهقانان، توجه به مسئله دامداری و مرغ است، که با توجه به ممنوعیت چرا در بعضی کوه‌های نزدیک قزوین، وضع ناپسندجاری پیش آمده است. پنجمین خواست دهقانان تأمین آب است، زیرا که بارش کافی نیست و از آبیاری نفع، ازجمله از رود شاهرود به‌خداکتر اضافه نمود، کشاورزی منطبق با نتایج گرفت. هفتمین خواست دهقانان، مربوط به مسئله اداری و ایجاد بدهکاری است که نبودن آن جلوی همه کارها را گرفته و حداقل یک روز برای هر کاری باید به «مهم‌کلام» مرکز منطقه رفت. خواست دیگر دهقانان این منطقه، کوتاه کردن دست متنفذین محلی است، که به احتمال قمار علیه دهقانان ادامه می‌دهند. در رودبار حتی به کارهای آشکار ضد انقلابی دست می‌زنند و با استفاده از عقبماندگی فرهنگی به افسانه‌ای انواع موهومات و شباهت می‌پردازند تا اعتماد مردم را به پرهیزی انقلاب از بین ببرند و غناید ارتجاعی را رواج دهند.

وضع این دهات در سال‌های اخیر بقدری افتضاح شده، که اکثر روستائیان تقریباً تمامی جوانان کوچک نموده و به‌فرهنگ، نظیر قزوین و پارس، رفته‌اند. در ده کشتجان، که حدود ۴ تا ۳ هزار جیبست داشت، حالا برور صدفتر زندگی می‌کنند.

اعالی الموت و رودبار، دارای شتهای دیرینه مبارزه هستند. آن‌ها به‌بوقع خود، بگیری الطلحه و اسیراسد را از زمینها بیرون رانده‌اند و متعاقباً که با بیداری از حق خود بر زمین دفاع می‌کنند. این‌مردم نیازمند توجه فوری به‌سایه‌های خود است که از آن‌ها نام بردیم، تا بتوانند به‌کشاورزی و دامداری سرورونی بدهند و عناصر ضد انقلاب و فایه بران را به‌مبار کنند.

* چرا هیئت‌نظری، برخلاف نظر کمیته امام، به ضرر دهقانان رای می‌دهد؟

در قریه تورخیج، بلوک هرازی‌آمل، شخصی، که بنوشته دهقانان از چاق‌داران و صال رژیم طاغوتی است، یک قطعه زمین ۴ مکتاری دهکده را، که متعلق به‌صم بوده و برای احداث دبستان و حمام و مسجد و غیره ضرورت داشته، صعب نموده و بزور حق دهقانان را بی‌پایان کرده‌است. کمیته امام در آمل، به‌دلیل دادخواهی دهقانان، بطنع عام اهالی رای می‌دهد. فرد مزبور را غصب می‌شناسد. اما سپس یک حجت عمده قری حل اختلاف آمل، بدون توضیح سبب وایق امر، اهالی را از حق خود محروم نموده بطنع فرد غصب رای می‌دهد. اهالی قری خوشحالی در ظلم هستند و انتظار دارند که دست زورگویان، که با دستگاه جور و ظلم محمدرشاه‌ای رابطه داشته‌اند کوتاه نموده و می‌شنیدند، روئوست اما بیش از صد نفر اهالی قری، با امضای دست‌نمایندهانند زارعین، برای روزنامه «مردم» فرستاده شده است.

شهادت و تولد

مردی که می‌گفتد خورشید را بدوشی با دست‌های گرم بیوند زندگی را تیت می‌نمود *** اینک که شهر اینک که دست اینک که دست با یکدیگر بزمه بنشسته‌اند گرم و از «شهادت» یادگلد خویشی بگوند قصه‌ها او با شهادتیش از تو «تولد» دیگر آغاز کرده است

۱. خلاصه‌ای از شعر بلند ب. محمودزاده، حزیش». ۲. چنان عظیم بودند که بخورشیدهاو سایه افکنند. زمین - اگر چه شیخوران انکارشان کردند در گامشان صدای رهانی می‌ترکند و بلوغ خمشی آگاه - در رگ‌هاشان - و چون همیشه ناگاه - ناگهان تاریخ زندگان در باشار شقایق به خون نشست. آغاز فصل شکفتن. به آسمان بگو: اگر نبارد از خشکسالیان چه نم: سایه‌هایی از بیخون سدل بلند شب را تا ارتفاع سحر - در شرف درون و پتنام در قلب غرب، گویا و در قاره سیاه شارش نمودم! ما با قلب رحمت خود دستان گرم فلسطین را در دست خویش فترده فریاد می‌کنیم «بیروزاده» «بیوند کارگران» «بی‌خوابی» «دنیای سوسیالیسم»

بدون تردید و در همه موارد می‌بینیم که عوامل امپریالیسم و بنیادی حکومت غارتگر شاه مخلوع از آن سود می‌برند و دست ساواک‌ها و وابستگان آنان می‌روند - منتهی به شکل و بنام دیگر - دیده می‌شود، پس باید، بدون آنکه در جزئیات غرق شویم، ایجاد و ادامه‌چنین جریاناتی را به‌سود خود بنگاریم. ۱- در این رابطه، نه به‌سود انقلاب، بلکه بزور آن بنادیم. البته تحقیق کردن و پیرودن و دانستن جزئیات و طرز انجام و فرآیند و تعیین مسئولیت هر گروه و نیرو کار بزرگ‌مادهای نیست و باید انجام شود. منتهی بدون شناخت واقعی، حسرگ نباید موضع جویولانه در مورد جزئیات و مسئولیتهای هرگام گرفت و قضاوت‌های تنبزه کرد. ۲- در مورد روزنامه آیندگان، خود شما موضعگیری‌هایش را نوشته‌اید و نیاز به توضیح ندارد. در «مردم» هم آخرین مطلب در این زمینه، پیش از انتشار آخرین شماره آن روزنامه تهیه شده و زیر چاپ رفته بود، به‌طوریکه هر دو روزنامه صبح در یک روز انتشار یافته و آن‌ها که به‌کار چاپ و توزیع آشنا هستند و می‌دانند که امکانات ما با «جراید بزرگ» قابل مقایسه نیست، به‌درستی درک می‌کنند که سوء استفاده برخی عناصر از این همزمانی، در واقع هم جز سوء نیت چیز دیگری نبوده است. و گرنه چطور می‌توان برین روزنامه مردم را، که ماه‌روز منتشر شده، در روی قسمت سفید آیندگان الصاق کرد و روی نوبت دموه فرستادیم» و آنرا - و اینها، آنچه چسانند، چنین کاری عیارت است از گمراه کردن خواننده دست‌کم‌گرفتن سطح آگاهی و شناخت مردم، یعنی توهم به‌سندقت و درایت آنها.

۳- در پاسخ سؤال سوم باید گفت که اطلاع شما با واقعیت تطبیق نمی‌کند. مطلبی که در درباره آن گفته‌ام فایده حزب سوسیالیست درست نیست. در مورد سایر نیروها اطلاعی نداریم. ۴- به تمام جریاناتی که در درهستان گنبد و خوزستان روی داده و نتیجه‌شان حادثه مورد نظر شما، بدترم فریبی خودی و گرم خوردن سال‌ها مختلف محلی و ملی و زبانی و مذهبی، در آخرین تحلیلیست می‌بایست از دید انقلاب سوسیالیستی نگاه کرد و دانست که بقول شاه، این اختلاف بطنع چیست؟ از آنجا که

«حیثیت کشور ایران» - از کدام دیدگاه؟

دادگاههای انقلابی، قاطعیت آنها در مجازات جانوران انسانمانی که بیکرد و شکار و شکنجه و قتل آزادیخواهان مردم بی دفاع حرف و فلانن بوده و یا کانی نظیر «القایان» ها، که مهرهای مستون فرات رژیم وابسته بهمیراییم و به سهپویسیم را تشکیل میدهند، اندک یا بیشتر ممنون شد امپریالیستی و ضدانقلابی انقلاب ایران، ناپاکتر میگیری آن است. از این رو نظر و واکنش نسبت به عمل دادگاه های انقلابی ملایم بکن نیست.

مسائل امپریالیستی و سوسیالیستی با آن سخت مخالفند و در کار کوچک پس طبل تبلیغات پر صدا، که ایامان و عدالت» در ایران از بین رفت، «مردم را با سینه محاکمه و بدون حق دفاع می کشند. دموکراسی در ایران پیمان شد... (مستکام) کارتر و نیز بکین و هم متحمل آنها یکباره طرفدار دموکراسی» در ایران شده اند!

ولی زحمتکاران، بیانگران منافع آنان، سفوتکوان جنبشهای آزادیبخش ملی، همه معامل و گروهها، اقلات و طبقاتی که در کار مبارزه بر ضد امپریالیسم خودخوانده و برعکس معتقدند که اقدامات دادگاههای انقلابی ایران بهسمازات جانیت کاران، اقتصادی است انقلابی، درست، عادلانه، لازم و اگر تفری در آن رخ دهد کمک بهضد انقلاب است، که هنوز امیدش به «ولای» باقی است.

این دو نظر و دو دیدگاه در تقابل یکدیگر، در خفا با یکدیگر، به منظور محاصره نیروهای ضد انقلاب و نیروهای انقلابی در برابر یکدیگر قرار دارند و با یکدیگر میجنگند. تا اینجا همهچیز طبیعی است. اما شکست اینجا است که افراد و مقامی هستند، که در موضع طرفداری از انقلاب (گرچه ناپیگیر) واقع شدهاند، و لایسبی

تصور می کنند و حتی این تصور را اظهار می دارند که دادگاههای انقلابی بیسه «حیثیت» انقلاب و کشور ایران در جهان (۱) لطمه زده است.

این تصور البته نقطه با واقعیت وفق نمیدهد، زبانپوشش نیز هست. با واقعیت وفق نمیدهد، اولاً بهدلیل این که «جهان» فقط از کشورهای سرمایهداری غرب تشکیل نیافته و مردم در تمام کنوهای کسب خلقهای آنها درگیر مبارزه با امپریالیسم و عائلان هستند (کشورهای سوسیالیستی و کشورهای «جهان سوم») از هر آنچه ناپاکتر قاطعیت در پیروزی انقلاب شد امپریالیستی ایران باشد، استقبال می کنند. تا آنجا بهدلیل این که در خود کنوهای غرب امپریالیستی نیز «فکفار عمومی» یک کاسه و همگون نیست و در این کشورها نیز طبقات و اقشار موافق و طبقات و اقشار مخالف انقلاب شد امپریالیستی ایران وجود دارند و بنابراین طبقات آنهابسیط بهعمل دادگاههای انقلابی ایران موافق یا مخالفی این کشورها، که مخالفند در همان کشورها اقلیت جامعه را تشکیل می دهند. آنگاه بیشتر آشکار می شود که حاصل عمل دادگاههای انقلابی ایران، نه فقط بر «حیثیت» انقلاب و کشور ایران لطمه زده، بلکه «حیثیت» آنرا بالا برده است.

اگر این دادگاههای انقلابی تشکیل نمی شدند و یا با قاطعیت عمل نمی کردند، انقلاب ایران بهصورت تحولی بزرگ و میخسود جلوه می بخشد و حیثیت آن از بین می رفت، بهیچوجه بهیچاه زمانه برای پوشش ضد انقلاب فراموش می کردید. انقلاب باید در مبارزه با ضد انقلاب قاطع و بیامان باشد والا حیثیت آن سهل است، خود آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

درباره دو خطمشی...

ساخت، این بزرگترین فاجعه جهانی برای امپریالیسم پس از ویتنام است و عواقب آن از آنچه برای امپریالیسم سومتر، این یکواقعه جهانی - تاریخی بود و امپریالیسم هرگز تلاش خود را برای گرفتن انتقام از این انقلاب و انقلابیون ایران تخفیف نخواهد داد.

برای همه نیروهای اجتماعی که درگ می کنند، مسائل عدالتانسانی مانند صلح و جنگ، فقر و ثروت، استقلال و اسارت، آزادی و استبداد، امنیت فردی و اجتماعی در گرو آزیمانرفتن قدرت عظیم ترسرسین استوارهای سوختوار و جهانخواه، بویژه احزابهای مسلحه، این سودگران بی شرم مرگ و نابودی است، در آنصورت باید بهآسانی درگ کنند که در ایران چه شده است و چگونه در قبال حملات متقابل مکرر در مکرر امپریالیسم، که با هزار چهره انجام می گیرد، بایسد گوش رنگ بود.

اگر کسی خواستار آنست که قدرت از میان رفته امپریالیسم را در ایران، بوی و عائلش بازگرداند، سود خود و آلف و الوف خود را در این می بیند، برای چنین عنصری حقیقت است، که با بهانه کردن این یا آن مسئله، در تضعیف انقلاب بکوشد و آنرا «هوکند» و واژه «آخوندیس» را جانشین واژه «امپریالیسم» سازد.

از جانب دیگر کسانی هم با همین خواست، و با سوء استفاده از این یا آن اشتباه برخی از نیروهای انقلابی، می کوشد هر موضع قاطع ضد امپریالیستی و دمکراتیک را بهنام «توطئه ضد انقلاب» تخطئه و متهم کند و این «توطئه» را هم به «کونیسم» نسبت دهند تا سرانجام بتوانند واژه «کونیسم» را جانشین واژه «امپریالیسم» سازند.

ولی اگر کسی خواستار آنست که کار انقلاب ادامه یابد و تحکیم شود، در این صورت روش او تفرقه افکنی، جنجال سازی، اتهام زنی و میدان دادن به مفسدچویان و توطئه گران پس پرد، تحت عناوین و بهانههای مختلف نیست. روش او این نیست که عمده را از یاد ببرد و تحت عنوان دفاع از «آزادی»، سیاست «اتحاد و انتقاد» نسبت به رژیم ناشی از انقلاب را، بهسیاست «انتقاد خشن و تعرض آمیز» بدل کند، روش او این نیست که عمده را از یاد ببرد و تحت عنوان دفاع از «انقلاب» سیاست «اتحاد و انتقاد» نسبت به سایر نیروهای انقلابی را بهسیاست «انتقاد خشن و تعرض آمیز» نسبت به آنها بدل کند.

آری، حزب ما نیز نسبت بهمسئله آزادیهای دمکراتیک مجلس است و مایل نیست که به کوچکترین اقدام غیر قانونی و تحمیلی علیه این آزادیها دست زده شود، و اگر دست زده شود، بدان متعرض است. ولی ما عمل خود را در چارچوب تحسین عام خود از وضع انقلاب قرار نمی دهیم. ما عوامل جهانی و داخلی ضد انقلاب و نقش آنها را از یاد نمی بریم. ما پیروزی عظیم انقلاب خلقی ایران را ناچیزی نمی گیریم. مامشکلات بزرگ دوران انتقال را کوچک نمی کنیم. ما تمایلات گروه های محدود اجتماعی را با تمایلات اکثریت جامعه یکسان نمی گیریم. لذا ما می گوئیم برای انقلاب، اهم اتحاد و تجمع، همیای اکثریت مردم، باقیم و سیاست «اتحاد و انتقاد» را، در تناسب منطقی آن، نسبت به نیروهای دیگر اعمال کنیم.

این دو خطمشی، که در این دو دیدگاه، در تقابل یکدیگر، به منظور محاصره نیروهای ضد انقلاب و نیروهای انقلابی در برابر یکدیگر قرار دارند و با یکدیگر میجنگند. تا اینجا همهچیز طبیعی است. اما شکست اینجا است که افراد و مقامی هستند، که در موضع طرفداری از انقلاب (گرچه ناپیگیر) واقع شدهاند، و لایسبی

خط این نهاد میبایست منجر بهتأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، منجر بهاستقرار دمکراسی سیاسی و اقتصادی و تحول بنیادی بنود زحمتکاران در کشور ما بنود.

حزب توده ایران در برنامه استراتژیک خود یادآور شده است که تنها با آغاز آنگنان راه رشد اقتصادی و اجتماعی، که جامعه ایران را از همه بیامداری سیاست نواستماری امپریالیستی آزاد کند و دست سرمایهداری وابسته بهامپریالیسم را کوتاه سازد، میتوان این تضاد عمده را بطور واقعی حل کرد. زیرا با قبول راه سرمایهداری وابسته و لذا بقاع و همون شدن در سبب سرمایهداری جهانی، نه رفاهی از وابستگی و نیل بهاستقلال میسر است و نه نیل به دمکراسی! ضمناً میان دمکراسی و استقلال نیز پیوند و رابطه درونی وجود دارد.

اما در مرحله استراتژیک انقلاب، بهناچار از مراحل درازمدت یا کوتاه مدتی مرکب می شود که ملی آن، تقاسم نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تغییر می کنند و در حیات روزمره سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه تحولاتی پدید می آید و بهین سبب حزب انقلابی، برای نیل بههدف ها استراتژیک خود، باید قادر باشد این مراحل محدودتر را نیز که علما «مراحل تاکتیکی» نام دارند، تشخیص دهد و شمارها و وظایف خود را موافق آنها روشن گرداند.

مشئبه سیاسی: استراتژی، تاکتیک...

وقتی میگوئیم تاکتیک و مراحل تاکتیکی، منظور ما اصطلاح بورژوازی «تاکتیک» که معمولاً به فتح و فریب و مانور و تیرنگ اطلاق می شود، نیست. بلکه پیاده کردن مشی استراتژیک بر شرایط، مشکلات و اقیانات روز است. بدون انصراف از اهداف عمده تعیین شده، یعنی درامختی استراتژی اصولی (با تقویت مشی و بیخنده و بلاانصراف هدفهای استراتژیک) مشی مریض عملی (با واقع بینی و توجه به امکانات موجود) است. زیرا اگر کسی، فرضا مرحله استراتژیک انقلاب را بهدرستی تشخیص دهد، ولی قادر به تشخیص مراحل تاکتیکی، قادر بهتضمین دوستان دشمنان انقلاب در هرمرحله، قادر بهتضمین نیروها در هر مرحله، آرایش این نیروها و آمیج و حیثیت نهفت و غیره نباشد، متناسب با آن، مشی روزمره حزب را نمی بیند. ناچار گرفتار اشتباهات گونهگون می گردد و سرانجام نبرد را میازد.

در میان نیروهای سابق چه (و نه چپانمان) کسانی هستند که اولاً در تشخیص مرحله انقلاب، که مرحله ملی و دمکراتیک است، اشتباه می کردند، و از ممتنا پیش، ایران را در مرحله انقلاب سوسیالیستی اعلام می داشتند، و حال آنکه حتی اکنون نیز، که بهبرکت انقلاب مردم ایران، همه شرایط مساعد برای انجام وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک فراهم آمده است، هنوز می توان! ... بنایف را انجام شده اعلام داشت و هنوز آنرا تا مدتی دراز باید تکمیل خود را در چارچوب ملی و دمکراتیک و قبول اقدامات مثبتی از اقتصاد بازار و سرمایهداری بگذرانند، ولی البته با کله اشتباهات ضرور برود دفاع از منافع زحمتکاران پدنی و فکری. ثانیاً: این افراد بهیچوجه مراحل تاکتیکی در درون مرحله استراتژیک انقلاب و ضرورت مراعات جنر و مد آن و دستزدن بهتضرش یا غضبیتنی و با اتقاد سیاست تکلیف و انتظار عقیده ندارند و انقلابی چه بودن برای آنها عبارتست از اجرای تهرش دائمی سود یک هدف، یعنی سوسیالیسم و اینها که فقط باکانه پیشهتنگ و بدون هیچ آمادگی، ضمناً از سوسیالیسم نیز تصور آنها غالباً سطحی و تخیلی است.

از اینجاست که سردرگمیها آغاز می شود و ارتزهای خوب بهیچاه میروند.

مشئبه سیاسی درست بهظنما در همین جنبش انقلابی مردم ایران، ما با دو مرحله مشخص روبرو هستیم. که حرکت از آنها خودمانی ممتناست خود بوده و هست در مرحله اول انقلاب، که در آن حکومت استبدادی دستنشانده شاه مخلوق هنوز بر سر کار و اتحاد اکثریت سطلق مردم، بقصد برانداختن آن رژیم تائیم بوده، یک نوع وظایف مطرح می شد و در این مرحله، اولاً، انقلاب، یعنی زمانی که دیگر حکومت استبدادی دستنشانده برانقاده و در میانصوف خود نیروهای انقلابی لایسبی مطرح پدید شد، و مشیهای مختلف در جا می شود، وظایف دیگری مطرح است. ضد انقلاب این مطلب را خوب تشخیص داده و متناسب با هر مرحله، تاکتیک نوی را در پیش گرفته و شمارها و وظایف خود را عوض کرده است.

مشخصات مرحله کنونی انقلاب ایران، که خود تشکیل دهنده یک مرحله تاکتیکی است، در اعلامیه ۱۵ اردیبهشتماه ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران به تفصیل و با روشی بیان شده است. در این اعلامیه تلاش شد انقلاب در شرایط کنونی بیان شده و نیروهای نیمه راه و سازشکار مردمی گردانند. دو خطمشی مختلف در دوران کنونی (که آنرا می توان دوران گذار یا «دوران سازندگی» انقلاب نامید) که یکی از آنها خواستار ادامه پیگیری انقلاب و دیگری خواستار وارد کردن عناصرعدول و محافظتکاری در است، تشریح شده و موفقیت دولت در میان این دو خط مشی مرئی شده و وظایف نیروهای انقلابی بیان گردیده است.

این اعلامیه و یک فصلنامه مجامعه و اسناد و مقالات، که درروزنامه «مردم» درج گردیده، مشخصات دوران کنونی و وظایف ما را، که چیزی جز وظایف همه نیروهای راستین انقلابی نیست، روشن می کند و مبنی برای سردرگمی و ابهام باقی نمی گذارد.

ملا یکی از وظایف مهم برای آنچه که لینن آنرا «ارزیابی لحظه» در روز انقلاب می نامد و متناسب با آن باید «وظایف مردم» تعیین شود، همانا تشخیص درست دوستان و دشمنان انقلاب، تشخیص درست وظایف عمده و وظایف فرعی و جنبی است. اگر یک سازمان سیاسی تواند در پس انبوه آخته ظواهر و پدیدهها، گاه فریبده، ماهیت را تشخیص دهد، نتواند وظایف عمده را از غیر عمده باز شناسد و عمده را فدای غیر عمده نکند، نتواند دوستان و دشمنان واقعی انقلاب را از هم تشخیص دهد، آن سازمان سیاسی در کم پیشه و مشیهای خود را از دست ندهد، آن سازمان در انقلاب ایران، بهقدری خود ویژگی و «انحراف» از اشکال کلاسیک و کتابی زیاد است و بهقدری روندهای درون «مطبخ» و «س» پرده، تاریخ نش خاص دارد که بشارت سیاسی ویژه ای لازم است تا خرف و سدف با هم اشتباه نشود و سیاست انقلابی از سیاست ضدانقلابی و حتی مشی مبتنی بر دمکراتیسم انقلابی از لیبرالیسم سازشکارانه بورژوازی، بدرستی و به موقع باز شناخته گردد.

در میان اختلافاتی که بین ما و برخی عناصر سابق و راستین انقلابی دردمن مشی سیاسی پدید می شود، البته همیشه علت، تنها علت مرفتی و منطقی نیست؛ گاه علت از آن عمیقتر است، ولی در آنجا که این علت، تنها علت مرفتی است و بهت و مناظره سیاسی (پولییک) برانداخته، علمی و اصولی می تواند به عمل آنرا کمک کند، ما بنبوه خود آمادیم. ستون «پرش» و پاسخ، که روزنامه «مردم» گنوده است، برای اجرای چنین بحث و مناظرهای است. ما فقط حاضریم روشن کنیم، حاضریم روشن شویم و اندیشه و تحلیل و روش خود را با تذکرات و توضیحات درست مشی سازیم و آرزومندیم که چهامای صدیق و واقعی، اگر در یک حزب، لااقل در یک جبهه و در زیر پرچم یک روش سیاسی، در کنار هم علیه ضد انقلاب و بسود انقلاب یکبار کنند.

فریون ابراهیمی...

چهاردهم، حتی هنگامی که روزانه تکاوران ایرانی میخواستند بهانهها همصاحب و آنگاهی حامل بیخیمی برای او باشند، فریون، که در وجود خلقهای ایران را می بیند و عمل و کارهایش را از بیخیمستی تشخیص می دهد، حاضر نشد آنان را بپذیرد و بهتصالحیه آنها گوش کند. او گفت: «من با آنها می که به خلق من تهمت میزند و ممتن نهفت آزادیخواهی ما هستند، صحبت نمی کنم».

فریون ابراهیمی، در سال ۱۳۲۷، در شهر استارک، کوهله شد، پسندش، میرزا را، از همان سببی این روزگار بود که توسط «فریون مری» زندانی و سپس بی نام به تهران تبعید شد. فریون بواسطه با فعالیت در تبریز در تصحیلات محسوسه را تمام کرد و در دانشگاه حقوق تهران، حقوق کار برای نایب مناصر روز و نوشتن مقاله، به نام «تضمین برانداختن مقالات آنتیون ورتور و از روزنامههای آذرب، رهبر ورتور، در سال ۱۳۳۲ در روزنامه «فریون» وابسته به کمیته ایالتی حزب توده ایران، بهرطور انتشار یافت. او در روزنامه «آذربایجان» فعالیت کرد. مبارزان قدیمی هنوز ضمایم تاریخ و از احسانی سله مقالات او را در «آذربایجان» و «آذربایجان» «آذربایجان» سخی می گویند) از یاد نبردهاند. وی در جزوه ای به نام «ماه روز نخستین مبارزان دروغسین شاهنشاهی پستان را افشا می کند» مشارکت کرده و در برابر عطف راستین خلقها و فریون سال ۱۳۳۵، به عنوان نماینده طوطیها، در کنفرانس صلح پارسی شرکت جست. «فریون» و «آذربایجان» در ترجمه و چاپ می شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درایران به چاپ رسیده است.

پس از پیروزی قیام خلقی ۲۱ آذر ۳۳ در آذربایجان فریون ابراهیمی، به عنوان نماینده کل آذربایجان برگزیده شد و تکامل بعد از آن در «تاریخ آذربایجان» در روزنامه «آذربایجان» فعالیت کرد. مبارزان قدیمی هنوز ضمایم تاریخ و از احسانی سله مقالات او را در «آذربایجان» و «آذربایجان» «آذربایجان» سخی می گویند) از یاد نبردهاند. وی در جزوه ای به نام «ماه روز نخستین مبارزان دروغسین شاهنشاهی پستان را افشا می کند» مشارکت کرده و در برابر عطف راستین خلقها و فریون سال ۱۳۳۵، به عنوان نماینده طوطیها، در کنفرانس صلح پارسی شرکت جست. «فریون» و «آذربایجان» در ترجمه و چاپ می شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درایران به چاپ رسیده است.

پس از پیروزی قیام خلقی ۲۱ آذر ۳۳ در آذربایجان فریون ابراهیمی، به عنوان نماینده کل آذربایجان برگزیده شد و تکامل بعد از آن در «تاریخ آذربایجان» در روزنامه «آذربایجان» فعالیت کرد. مبارزان قدیمی هنوز ضمایم تاریخ و از احسانی سله مقالات او را در «آذربایجان» و «آذربایجان» «آذربایجان» سخی می گویند) از یاد نبردهاند. وی در جزوه ای به نام «ماه روز نخستین مبارزان دروغسین شاهنشاهی پستان را افشا می کند» مشارکت کرده و در برابر عطف راستین خلقها و فریون سال ۱۳۳۵، به عنوان نماینده طوطیها، در کنفرانس صلح پارسی شرکت جست. «فریون» و «آذربایجان» در ترجمه و چاپ می شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درایران به چاپ رسیده است.

به پیش هر چه وسیع تر «مردم» کمک کنید

کوک با تونوز و پختی هر چه وسیع تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، که وظیفه انقلابی و مترقی است. از کله دوستان، هوات داران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هرک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

یادش جاودان باد!

بعلت استقبال کم نظیر مردم، زمان نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران تمديد شد

روز ۲۹ اردیبهشت، همزمان با برگزاری مراسم سالگرد شهادت خرم روزی به فرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد. نمایشگاه، از همان ساعت افتتاح، با استقبال کم نظیر مردم روبرو شده و تاکنون تلفظ عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستانها نیز از آن دیدن کرده اند و با زندگی و پیکار و شهادت شهیدان راه آزادی و استقلال ایران آشنا شده اند. در دفتر یادبود نمایشگاه، نوشته هایی از

جانب بازدیدکنندگان دیده می شود که حاکی از خوشنای نسبت به شهیدان و همچنین بزم راسخ برای ادامه راه شهیدان است. از آنجه که تاکنون نوشته شده، ساده ترین و کوتاه ترین و در عین حال پر محتوای آن ها، با امضای «یک برادر مسلمان» است که نوشته، یادخبر روزیبه گرمی بابا توها علاقمندان به نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران می توانند تا روز ۱۵ خردادماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محل دانشگاه سنتی تهران

گسترده باد جبهه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، ضد ارتجاع و مزدوران

جیش آزادی بخش فلسطین، «فتح» روز ۱۵ ماه مه جاری، بمناسبت سالگرد اشغال فلسطین توسط صهیونیستها اعلامیه ای صادر نمود، که توسط خیرگزاری فلسطینی «مروا» به روزنامه «مردم» رسیده است. ما به پشتیبانی فعال و همه جانبه خود از خلق فهیمان فلسطین در مبارزه دلاورانه ان همیشه ابراز داشته ایم، اینک اعلامیه از این اعلامیه را بطالع خوانندگان «مردم» می رسانیم:

«مردم ما بیایید و آوارگی، گرسنگی نابودی، محاصره، سرکوبی و انواع تجاوزات دیگر را تحمل کرده و در برابر اسواغ توطئه های که برای ایجاد اختلاف صورت گرفته است شجاعانه مقاومت کرده و با رد سرهای اسامیری هویت عربی و فلسطینی رستن خود را نگه داشته است.

سازها است که نبرد مسلحانه فلسطین - جیش وسیع مردمی هماهنگ شده و با فرزندان دلیر خود در سرزمینهای اشغالی - ر یک وحدت سرشوت ساز قرار گرفته و در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین گرد آمده است.

سالگرد ۱۵ ماه مه روزی است که انقلابیون، عملیات خود را افزایش میدهند و روزی است، که ملت فلسطین در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی دست به انتصاب عمومی میزنند، و اکنون سالگرد ۱۵ ماه مه در شرایطی برگزار می شود که فلسطین توانسته است ارای جهانیان را به خود جلب کند ولی صهیونیستها فقط حمایت امپریالیستهای امریکایی و نژاد برستان آفرینانی را به خود جلب کرده اند، و از حمایت یک خان مزدور و خور و خستی که خودش را به شیطان و ملت عرب مصر را به دشمنان فروخته است برخوردار است

اسکان با شکست مواجه شود. تلاش دشمن صهیونیستی و رژیم سادات برای منزوی کردن نوار غزه از فلسطین و منزوی کردن اهالی آن از فلسطین با شکست روبرو خواهد شد. مردم ما در نوار غزه می دانند که سرروشتان سرسوت مردم عرب فلسطین است و خاک غزه مرآه جزوه لایچواری خاک فلسطین است. محتولیت ما این است که این نقشه شوم، را خنثی کنیم و راه را برداشتی که میخوانند سرزمین ما را قطعه قطعه کنند و جبهه مارا درم بشکنند پندیم این نبرد است که تمامی افراد شجاع ملت ما که تحت اشغال بسر میبرند و با در تمیید فداها هستند در آن شرکت دارند.

حق بازگشت به فلسطین مقدس است. نبرد برای بازگشت به فلسطین مقدس است و افزایش مبارزه برای بازگشت به وطن و وطنه مغرب فلسطینی در هر جای دنیا است.

اولین وظیفه انقلابیون فلسطینی این است که پرچم بیت المقدس را در هر جای جهان بلند کنند و همه شرافتمندان و آزادیخواهان جهان باید به دور بیت المقدس گرد آیند و بیت المقدس را از اشغال صهیونیستها آزاد کنند.

امپریالیستهای امریکا و دشمن صهیونیستی هم اکنون برای مقابله با فشار انقلاب فلسطین که در آن همه موعثمان از حقوق مساوی برخوردار هستند طرح تازه ای ریخته و با تجزیه طلبی میخوانند در برابر ما ایستادگی کنند.

کنشکشی جاری میان فلسطین دموکراتیک و رژیم صهیونیستی در حقیقت یک کنشکشی میان مساوات طلبی و نژاد پرستی است، کنشکشی میان همه رستی مسالفت آمیز و تمسب است میان آزادی خواهی و تسلیم طلبی است، میان وحدت و تجزیه طلبی است، دنیا رابطه صهیونیستی را با نژاد پرستی آفرینانی جنونی می داند و ما با پیچیده صهیونیستها و حامیان آنان امپریالیستها را بیش از پیش برای جهانیان روشن کنیم.

ملت بزرگ فلسطین انقلابیون فهیمان فلسطینی نتیجه سالها مبارزه ثابت می کند که ملت فلسطین تنها نیست و بلکه تمامی اعراب و همملتیهای جهان با اینها هستند در خاتمه اعلامیه جیش آزادی بخش فلسطین چنین میخایم:

«ما با گرد آمدن در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین تنها نماینده قانونی ملت فلسطین از فلسطین حمایت و پشتیبانی می کنیم. مبارزه خود برای بازگشت به فلسطین و آزادی فلسطین شدت بخشیم.

افراشته باد پرچم مبارزه مسلحانه و جیش انقلابی برای آزادی و همملتی و شدت گرفته باد جبهه ضد امپریالیستی و مزدوران صهیونیستی و ضد ارتجاع و مزدوران مغربزاده باد پرچم دموکراتیک مستقل فلسطین

زند باد فلسطین آزاد و عربی درود بدهوان پاک شهیدان انقلاب!»



گروهی از نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

انحصارها و کشورهای امپریالیستی مانع عمده روابط سالم بازرگانی و اقتصادی جهان

«مناسبت پنجمین اجلاس کنفرانس سازمان ملل متحد برای بازرگانی و توسعه»

پنجمین اجلاس کنفرانس سازمان ملل متحد برای بازرگانی و توسعه (اوتکتاد)، گام خود را از ۱۹ اردیبهشت، در مانیل، پایتخت فیلیپین، آغاز کرد. در این اجلاس، بیش از ۵ هزار نماینده از ۱۵۹ کشور و سازمان بین المللی شرکت دارند. پایان دادن به تبعیض، نابرابری و استثمار در مناسبت بازرگانی و اقتصادی میان کشورهای جهان و ایجاد نظم نوین اقتصادی بر پایه برابری حقوق، عدالت و همکاری مبتنی بر منافع متقابل دستور جلسه این کنفرانس را تشکیل میدهد.

این کنفرانس، مانند سایر کنفرانسها و مجامع بین المللی، پیوسته صحنه برخورد و مبارزه میان دو گروه کشورهای جهان بوده است. یک گروه را بزرگترین کشورهای امپریالیستی جهان غرب تشکیل میدهد و گروه دیگر را کشورهای «جهان سوم» و کشورهای سوسیالیستی.

کشورهای امپریالیستی میگویند در این کنفرانسها نظم موجود در روابط اقتصادی و بازرگانی میان خود و سایر کشورهای توسعه یافته و پدید سازند.

از طرف دیگر، برای غرب با کشورهای سوسیالیستی، مالی و بازرگانی کشورهای امپریالیستی غرب با کشورهای توسعه یافته و پدید سازند، از حال رشد بر پایه تجارت و استثمار، نابرابری و تبعیض استوار است و این کشورها را از لحاظ اقتصادی، مالی، تکنیک و تکنولوژی و به انحصارهای غربی گریز چند ملیتی و کشورهای درنده امپریالیستی وابسته می سازد. مانع رشد سریع و همه جانبه آنان می گردد.

«دماانی گورباچف» دبیر کل «اوتکتاد»، در جلسه افتتاحیه کنفرانس مایل اعلام کرد که، سیاست حمایتی که کشورهای توسعه یافته غرب در مورد واردات از کشورهای در حال رشد به نفع خود اعمال می کنند، باعث محدود شدن صادرات این کشورها می گردد. برنام سیستم اقتصاد جهانی تأثیر منفی می گذارد و موجب عقب ماندن کشورهای امپریالیستی برای حفظ منافع نامشروع خود از هیچ اقدام حمایت آمیز علیه کشورهای در حال رشد آبا ندارند. آنان از راه تحکیم و یا بر سر کار آوردن رژیم های دست نشانده ارتجاعی و ضلعی،

در حال رشد با عده و با لشعهای اقتصادی و مالی و فنی، به رشد اقتصادی مستقل و پیشرفت اقتصادی این کشورها پاری رسانند. گورباچف انحصار امپریالیستی، با تقسیم کشورهای به «دقی» و «فقیر» و با پیش کشیدن انواع اصطلاحات ساختگی، سعی دارند تفاوت بین میان مناسبات کمپوز های سوسیالیستی و کشورهای «جهان سوم» را برودوشی کنند و کشورهای امپریالیستی را، که قرن ها به شیوههای آسیای شرقی و امریکای لاتین را به شیوههای امپریالیستی کهن و غارت کرده و می کنند و بیشتر و ثروت خود را به میزان زیاد مدیون این غارتگری هستند با جهان سوسیالیسم، که عصر این حتی به هندوستان نرسیده و کوچکترین دخالتی در شبه قاره هند و کشورهای در حال رشد نداشته است، بلکه برعکس از حال کوششی در راه کمک به آن ها درینج ندره، در یک صف قرار دهند.

ماتوئیستهای یکنس و گروهک های ماتوئیستی در سایر کشورها نیز به پیروی از امپریالیسم و انحصارگران غارت گری با توسل به همین شیوه، و نیز اصطلاحات ساختگی «دوبل قدرتی» و «سوسیال» امپریالیسم و غیره همین اتهامات ناروا را بر کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی وارد می سازند.

تمام واقیتهای موجود بی پایگی این دعوی امپریالیستهای غربی است و ماتوئیستهای خدعه گر را نشان می دهد. کشورهای سوسیالیستی در تمام کنفرانسها و مجامع بین المللی، در مبارزه با انحصارها و کشورهای امپریالیستی، در کنار کشور های در حال رشد قرار دارند و از منافع آنان دفاع می کنند.

اکنون، پس از انقلاب ملی و دموکراتیک در موزمبیک، تمام شرایط لازم برای پایان دادن به مناسبات غیر عادلانه و غارت گرانه کشورهای امپریالیستی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مستقل برای مردم ایران بوجود آمده است. ولی امپریالیسم و عیال داخلی آنان میگویند که سببه و زحمتی را برای ایجاد نقای میان روزهایی راستین انقلاب، از مبارزه قاطع برای پایان دادن نهایی و بدون بازگشت به تسلط امپریالیسم و سرکوبگری کنند. مردم ایران، بخصوص زحماتکنان، باید با مبارزه آشتی ناپذیر و متحد خود این اقدامات را عقیم گذارند.

سالگرد ۱۵ ماه مه روزی است که انقلابیون، عملیات خود را افزایش میدهند و روزی است، که ملت فلسطین در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی دست به انتصاب عمومی میزنند، و اکنون سالگرد ۱۵ ماه مه در شرایطی برگزار می شود که فلسطین توانسته است ارای جهانیان را به خود جلب کند ولی صهیونیستها فقط حمایت امپریالیستهای امریکایی و نژاد برستان آفرینانی را به خود جلب کرده اند، و از حمایت یک خان مزدور و خور و خستی که خودش را به شیطان و ملت عرب مصر را به دشمنان فروخته است برخوردار است

ملت بزرگ فلسطین، انقلابیون فهیمان فلسطینی امپریالیستها بعد از آن که از طرف جیشهای انقلابی و خصوصاً انقلاب بزرگ ایران که به سرنگونی شاه مزدور و همیمان صهیونیستی شدت می دهد شریبه خورند، هم اکنون در سدد به دست آوردن پایگاههای خود در جهان هستند.

اعلامیه سپس نمایان چند امپریالیست ها، به عملیاتی سادات و توطئه های حکومت اسرائیل را افشای ساخته چنین می گویند:

امپریالیستها و صهیونیستها حقوق ملت ما را نادیده گرفته و با طرح های اسکان و یا سرکوبی و نابودی حلالی را متوجه آنها میکنند ولی ملت ما در برابر این ترفقهها ایستادگی کرده و با تمک بوجدت خود، به وحدت سرزمین و وحدت سرشوت خود همه این توطئهها را نقش بر آب می کنند.

آن ها سعی دارند از رشد ملت ما و از رشد موسسات ما و جامعه ما جلوگیری کنند آن ها تلاش می کنند کیوسهای تازه ای در کرانه غربی بنا کنند و طرح به اصطلاح خودمختاری را به ملت ما تحمیل کنند. وظیفه ما مقاومت در برابر این طرح متحرک است که میخوانند اشغال را ادامه دهد وظیفه ما این است که از مقاومت ملت خود پشتیبانی و حمایت کنیم تا تلاشهای دشمن برای مهاجرت دادن و

اسکان با شکست مواجه شود. تلاش دشمن صهیونیستی و رژیم سادات برای منزوی کردن نوار غزه از فلسطین و منزوی کردن اهالی آن از فلسطین با شکست روبرو خواهد شد. مردم ما در نوار غزه می دانند که سرروشتان سرسوت مردم عرب فلسطین است و خاک غزه مرآه جزوه لایچواری خاک فلسطین است. محتولیت ما این است که این نقشه شوم، را خنثی کنیم و راه را برداشتی که میخوانند سرزمین ما را قطعه قطعه کنند و جبهه مارا درم بشکنند پندیم این نبرد است که تمامی افراد شجاع ملت ما که تحت اشغال بسر میبرند و با در تمیید فداها هستند در آن شرکت دارند.

حق بازگشت به فلسطین مقدس است. نبرد برای بازگشت به فلسطین مقدس است و افزایش مبارزه برای بازگشت به وطن و وطنه مغرب فلسطینی در هر جای دنیا است.

اولین وظیفه انقلابیون فلسطینی این است که پرچم بیت المقدس را در هر جای جهان بلند کنند و همه شرافتمندان و آزادیخواهان جهان باید به دور بیت المقدس گرد آیند و بیت المقدس را از اشغال صهیونیستها آزاد کنند.

امپریالیستهای امریکا و دشمن صهیونیستی هم اکنون برای مقابله با فشار انقلاب فلسطین که در آن همه موعثمان از حقوق مساوی برخوردار هستند طرح تازه ای ریخته و با تجزیه طلبی میخوانند در برابر ما ایستادگی کنند.

کنشکشی جاری میان فلسطین دموکراتیک و رژیم صهیونیستی در حقیقت یک کنشکشی میان مساوات طلبی و نژاد پرستی است، کنشکشی میان همه رستی مسالفت آمیز و تمسب است میان آزادی خواهی و تسلیم طلبی است، میان وحدت و تجزیه طلبی است، دنیا رابطه صهیونیستی را با نژاد پرستی آفرینانی جنونی می داند و ما با پیچیده صهیونیستها و حامیان آنان امپریالیستها را بیش از پیش برای جهانیان روشن کنیم.

ملت بزرگ فلسطین انقلابیون فهیمان فلسطینی نتیجه سالها مبارزه ثابت می کند که ملت فلسطین تنها نیست و بلکه تمامی اعراب و همملتیهای جهان با اینها هستند در خاتمه اعلامیه جیش آزادی بخش فلسطین چنین میخایم:

«ما با گرد آمدن در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین تنها نماینده قانونی ملت فلسطین از فلسطین حمایت و پشتیبانی می کنیم. مبارزه خود برای بازگشت به فلسطین و آزادی فلسطین شدت بخشیم.

افراشته باد پرچم مبارزه مسلحانه و جیش انقلابی برای آزادی و همملتی و شدت گرفته باد جبهه ضد امپریالیستی و مزدوران صهیونیستی و ضد ارتجاع و مزدوران مغربزاده باد پرچم دموکراتیک مستقل فلسطین

زند باد فلسطین آزاد و عربی درود بدهوان پاک شهیدان انقلاب!»

سالگرد ۱۵ ماه مه روزی است که انقلابیون، عملیات خود را افزایش میدهند و روزی است، که ملت فلسطین در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی دست به انتصاب عمومی میزنند، و اکنون سالگرد ۱۵ ماه مه در شرایطی برگزار می شود که فلسطین توانسته است ارای جهانیان را به خود جلب کند ولی صهیونیستها فقط حمایت امپریالیستهای امریکایی و نژاد برستان آفرینانی را به خود جلب کرده اند، و از حمایت یک خان مزدور و خور و خستی که خودش را به شیطان و ملت عرب مصر را به دشمنان فروخته است برخوردار است

ملت بزرگ فلسطین، انقلابیون فهیمان فلسطینی امپریالیستها بعد از آن که از طرف جیشهای انقلابی و خصوصاً انقلاب بزرگ ایران که به سرنگونی شاه مزدور و همیمان صهیونیستی شدت می دهد شریبه خورند، هم اکنون در سدد به دست آوردن پایگاههای خود در جهان هستند.

اعلامیه سپس نمایان چند امپریالیست ها، به عملیاتی سادات و توطئه های حکومت اسرائیل را افشای ساخته چنین می گویند:

امپریالیستها و صهیونیستها حقوق ملت ما را نادیده گرفته و با طرح های اسکان و یا سرکوبی و نابودی حلالی را متوجه آنها میکنند ولی ملت ما در برابر این ترفقهها ایستادگی کرده و با تمک بوجدت خود، به وحدت سرزمین و وحدت سرشوت خود همه این توطئهها را نقش بر آب می کنند.

آن ها سعی دارند از رشد ملت ما و از رشد موسسات ما و جامعه ما جلوگیری کنند آن ها تلاش می کنند کیوسهای تازه ای در کرانه غربی بنا کنند و طرح به اصطلاح خودمختاری را به ملت ما تحمیل کنند. وظیفه ما مقاومت در برابر این طرح متحرک است که میخوانند اشغال را ادامه دهد وظیفه ما این است که از مقاومت ملت خود پشتیبانی و حمایت کنیم تا تلاشهای دشمن برای مهاجرت دادن و

اسکان با شکست مواجه شود. تلاش دشمن صهیونیستی و رژیم سادات برای منزوی کردن نوار غزه از فلسطین و منزوی کردن اهالی آن از فلسطین با شکست روبرو خواهد شد. مردم ما در نوار غزه می دانند که سرروشتان سرسوت مردم عرب فلسطین است و خاک غزه مرآه جزوه لایچواری خاک فلسطین است. محتولیت ما این است که این نقشه شوم، را خنثی کنیم و راه را برداشتی که میخوانند سرزمین ما را قطعه قطعه کنند و جبهه مارا درم بشکنند پندیم این نبرد است که تمامی افراد شجاع ملت ما که تحت اشغال بسر میبرند و با در تمیید فداها هستند در آن شرکت دارند.

حق بازگشت به فلسطین مقدس است. نبرد برای بازگشت به فلسطین مقدس است و افزایش مبارزه برای بازگشت به وطن و وطنه مغرب فلسطینی در هر جای دنیا است.

اولین وظیفه انقلابیون فلسطینی این است که پرچم بیت المقدس را در هر جای جهان بلند کنند و همه شرافتمندان و آزادیخواهان جهان باید به دور بیت المقدس گرد آیند و بیت المقدس را از اشغال صهیونیستها آزاد کنند.

امپریالیستهای امریکا و دشمن صهیونیستی هم اکنون برای مقابله با فشار انقلاب فلسطین که در آن همه موعثمان از حقوق مساوی برخوردار هستند طرح تازه ای ریخته و با تجزیه طلبی میخوانند در برابر ما ایستادگی کنند.

کنشکشی جاری میان فلسطین دموکراتیک و رژیم صهیونیستی در حقیقت یک کنشکشی میان مساوات طلبی و نژاد پرستی است، کنشکشی میان همه رستی مسالفت آمیز و تمسب است میان آزادی خواهی و تسلیم طلبی است، میان وحدت و تجزیه طلبی است، دنیا رابطه صهیونیستی را با نژاد پرستی آفرینانی جنونی می داند و ما با پیچیده صهیونیستها و حامیان آنان امپریالیستها را بیش از پیش برای جهانیان روشن کنیم.

ملت بزرگ فلسطین انقلابیون فهیمان فلسطینی نتیجه سالها مبارزه ثابت می کند که ملت فلسطین تنها نیست و بلکه تمامی اعراب و همملتیهای جهان با اینها هستند در خاتمه اعلامیه جیش آزادی بخش فلسطین چنین میخایم:

«ما با گرد آمدن در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین تنها نماینده قانونی ملت فلسطین از فلسطین حمایت و پشتیبانی می کنیم. مبارزه خود برای بازگشت به فلسطین و آزادی فلسطین شدت بخشیم.

افراشته باد پرچم مبارزه مسلحانه و جیش انقلابی برای آزادی و همملتی و شدت گرفته باد جبهه ضد امپریالیستی و مزدوران صهیونیستی و ضد ارتجاع و مزدوران مغربزاده باد پرچم دموکراتیک مستقل فلسطین

زند باد فلسطین آزاد و عربی درود بدهوان پاک شهیدان انقلاب!»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران
فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود
شانی:
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:
۴۷۵۷۸۸ و ۹۳۳۲۵۹

این بود خلاصه ای از اعلامیه جیش آزادی بخش فلسطین بمناسبت روز ۱۵ ماه مه. بجات یکی از شرافعی را که توسط حزب توده ایران، در این روز، پس از شرکت در مراسم دانشگاه، در اطراف محل میتینگ همبستگی نسب شده تکرار کنیم:

حزب توده ایران از پیکار خلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پشتیبانی می کند.

پیام به مؤلفان و مترجمان آثار مترقی

دایره انتشارات حزب توده ایران از همه مؤلفان و مترجمان آثار مترقی که مایل باشند آثار خود را برای انتشار در اختیار حزب قرار دهند دعوت می کند که شخصاً یا کتابا با دفتر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، تماس بگیرند.

نشانی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افراد و موسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می کنند و به فروشش می نمایند.

بدین سوره به اطلاع مسگان به ویژه ناشران می رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کمی حزب ممنوع است.

از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آنها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقمندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران